

شیوهی درمانی داغ کردن و جایگاه و اهمیت آن در تاریخ پزشکی مسلمانان

علی غفرانی^[*]، سیده نرگس تنهایی^[**]

^[*] استادیار دانشکده‌ی الهیات و معارف اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد؛ sjdmu529@um.ac.ir
^[**] دانش‌آموخته‌ی کارشناسی ارشد رشته‌ی تاریخ و تمدن ملل اسلامی و پژوهشگر گروه علوم اجتماعی جهاد دانشگاهی مشهد؛ nt152077@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۰۷/۲۰ | تاریخ تصویب: ۱۳۹۲/۰۲/۲۱

چکیده

تاریخ پزشکی مسلمانان، یکی از عرصه‌های مهم در مطالعات تاریخ و تمدن اسلامی است. جامعه‌ی اسلامی از روزهای آغازین شکل‌گیری، به دلیل نیاز، به پزشکی توجه کرد و مسلمانان ضمن استفاده از تجربیات پزشکی جوامع پیش از اسلام، همچون ایرانیان، هندیان و رومیان که از طریق ترجمه منتقل می‌شد، به تألیف آثار و انتقال تجربیات خود مبادرت ورزیدند. کی یا داغ کردن اعضای بدن، یکی از تجربیات طبی و شیوه‌های مرسوم جوامع بشری در زمینه‌ی درمان بیماری‌ها بود که زمان و مکان پیدایش آن معلوم نیست و تقریباً در تمام جوامع متمدن بشری به کار رفته و نسل به نسل منتقل شده است. این اصطلاح و شیوه‌ی درمان که در میان پزشکان مسلمان نیز رایج شده بود، هم در احادیث و روایات دینی و هم در ادبیات ملت‌های مسلمان، اعم از عربی و فارسی، به شکل‌های گوناگون مورد توجه قرار گرفته و مراتب و اثرات خاصی داشت و تا زمان شکل‌گیری پزشکی جدید، برای معالجه‌ی بسیاری از بیماری‌های بیرونی و درونی بدن آدمی، به کار می‌رفت. در بسیاری از کتاب‌های پزشکی مسلمانان، درباره‌ی ضرورت استفاده از داغ کردن و انواع بیماری‌های قابل درمان با این شیوه و شکل و جنس ابزارهای مورد استفاده، مطالب قابل توجهی آمده و شیوه‌های اجرایی آن نیز شرح داده شده است. در این مقاله این موضوع را از نظر تاریخی بررسی می‌کنیم.

واژگان کلیدی: داغ کردن، الکی، مکواه.

تعریف کی

کی واژه‌ای عربی است که معادل فارسی آن داغ کردن است و در قدیم به عنوان یک شیوه‌ی

درمانی به کار می‌رفت. این کلمه به معانی دیگری همچون تیز نگرستن به کسی، گزیدن کژدم (بیهقی، ۱۳۶۶: ۱/۱۹۶) و نشان و علامت نیز به کار رفته است. مردمان دامدار از داغ برای نشانه گذاشتن روی حیواناتی چون شتر و گوسفند استفاده می‌کردند؛ به طوری که جزئی از پوست آن‌ها را با آهن تفته می‌سوزاندند تا شناخته شوند (دهخدا، ۱۳۵۲: ۱۱۲/۲۲-۱۱۱). این شیوه‌ی قدیمی که برای درمان بیماری‌های مختلف و متعدد به کار می‌رفت و سابقه‌ای بسیار طولانی دارد، در میان مردمان سرزمین‌های صاحب تمدن، از جمله خاور نزدیک پیش از اسلام و یونان باستان، شناخته شده بود و کاربرد داشت. درباره‌ی محل پیدایش این شیوه‌ی درمانی نیز نمی‌توان نظر روشنی داد و باید آن را از تجربیات مشترک همه انسان‌ها به شمار آورد. کی در زمان پیامبر (ص) و دوره‌های اسلامی نیز رواج داشته است (محقق، ۱۳۷۴: ۳۹۲).

یک فعل از مشتقات کی، در معنای معروفش که همان داغ کردن است، در قرآن کریم نیز آمده است: «يَوْمَ يُحْمَىٰ عَلَيْهَا فِي نَارِ جَهَنَّمَ فُتُكْوَىٰ بِهَا جِبَاهُهُمْ وَ جُنُوبُهُمْ وَ ظُهُورُهُمْ...» (سوره‌ی توبه: ۳۵).

در کتاب‌های حدیثی و روایی، از زبان پیامبر (ص) و ائمه (ع) درباره‌ی استفاده از داغ کردن، به عنوان یکی از راه‌های شفای بیماران، احادیثی نقل شده است. بر اساس یکی از این احادیث، پیامبر (ص) فرموده‌اند که شفای بیماران در سه امر است؛ «نوشیدن عسل، حجامت کردن با نیشر و داغ کردن با آتش و من امت خود را از داغ کردن با آتش نهی می‌کنم» (ابن القیم الجوزیه، [بی تا]: ۳۸-۳۹؛ آواز، ۱۳۸۴: ۱۳۰-۱۳۵).

برخی دانشمندان تلفیق توجه علمی حضرت رسول (ص) به داغ کردن را با نهی و کراهت آن حضرت با عبارت «أَنَا أَنْهَىٰ أُمَّتِي عَنِ الْكِيِّ» و «مَا أَحَبُّ أَنْ أَكْتُوِي» این گونه توجیه کرده‌اند که در علاج و درمان با داغ کردن نباید شتاب ورزید، مگر هنگامی که ضرورت استفاده از آن اجتناب‌ناپذیر باشد و تا وقتی که معالجه با درمان‌های دیگر امکان‌پذیر است، نباید به درمان با داغ کردن روی آورد؛ به‌ویژه در وقتی که تشخیص داده شود که درد بیماری کمتر از دردی است که به وسیله‌ی داغ کردن برای بیمار پدید می‌آید (محقق، ۱۳۷۴: ۳۹۲). شاید به همین دلیل است که جمله‌ی معروف «أَخِرُ الدَّوَاءِ الْكِيِّ» به صورت مثل در زبان عربی به کار رفته و در طب اسلامی به عنوان آخرین روش برای درمان بیماری توصیه شده است. بر اساس این سخن که بی‌ارتباط با سخن منقول از پیامبر (ص) نیست، درمان به وسیله‌ی داغ کردن زمانی صورت می‌گرفت که پزشک برای معالجه‌ی بیمار، از گونه‌های مختلف درمان به نتیجه‌ی مطلوب نمی‌رسید (زهرای، ۱۳۷۴: ۷). ابوالقاسم محمود زمخشری، ادیب و لغوی صاحب نظر در زبان عربی (د. ۵۶۳ق)، جمله‌ی «أَخِرُ الدَّوَاءِ الْكِيِّ» را به لقمان بن عاد نسبت می‌دهد و می‌گوید: کسی که این تعبیر را نقل کرده،

۱. در آن روز که آن را در آتش جهنم، گرم و سوزان کرده و با آن صورت‌ها و پهلوها و پشت‌هایشان را داغ می‌کنند.

آن را مثل می‌آورد برای اعمال خشونت با دشمنان، زمانی که نرمی و مدارا با او سودی نداشته باشد (زمخشری، ۱۳۹۷: ۱/۳-۵).

سنت درمان با داغ کردن که امری مربوط به پزشکی بوده، در ادب عربی و فارسی به صورت‌های گوناگون منعکس شده و به صورت یک تضمین با معانی مختلف به کار رفته است. برای نمونه مواردی از این کاربرد را نقل می‌کنیم:

به صوت بلبل و قمری، اگر نوشی می
علاج کی کنمت «آخر الدواء الکی»
(حافظ)

گر کنم خیره ارنه خود سوزم
گفته‌اند «آخر الدواء الکی»
(انوری)

چو دید قهر توزین پس معالجت نکند
چنین زند مثل «آخر الدواء الکی».
(کمال‌الدین اسماعیل)

زانکه داغ آهنین آخردوای دردهاست
ز آتشین آه من آه داغ شد بر پای من
(خاقانی شروانی)

کی در کتاب‌های پزشکی

در میان نوشته‌های پزشکی مسلمانان، چند کتاب و رساله‌ی کوچک و مختصر با موضوع داغ کردن نوشته شده است که در مجموعه نسخه‌های خطی به برخی از آن‌ها اشاره شده است و تعدادی از آن‌ها به صورت دست‌نویس به جا مانده‌اند. بر اساس یک گزارش در *الفهرست* ابن ندیم، افلاطون کتابی با عنوان *کتاب الکی* داشته که ظاهراً در قرن سوم یا چهارم هجری، به زبان عربی ترجمه شده بود (ابن ندیم [بی‌تا]: ۴۰۷). این کتاب احتمالاً در قالب یک مقاله بوده و مترجم آن ناشناس مانده است. بعید نیست که مسلمانان در نوشته‌های خود درباره‌ی کی، از همین کتاب الگو گرفته باشند (عبادی، ۱۳۹۰: ۳). از میان نوشته‌های مسلمانان در این موضوع به «رساله‌ی جاماسیه (جاماسیه) در آداب داغ کردن اعضای بدن» اثر عبدالحسین بن موسی بن حکیم عبادی، «رساله در طب» به صورت نسخه‌ی خطی، «رساله فی حکم الماء الحمصه التي توضع علی الکی فی البدن» (نسخه‌ی خطی) اثر عبدالغنی بن اسماعیل نابلسی دمشقی حنفی صالحی (۱۱۴۳ق) و «هژده نسخه جات» (نسخه‌ی خطی هندی) که بخشی از آن به داغ کردن اختصاص دارد، می‌توان اشاره کرد (برای آگاهی از این نسخه‌ها نک: سایت کتابخانه‌ی مجلس شورای اسلامی).

در متون پزشکی نیز بحث استفاده از داغ کردن، کمیت و کیفیت کاربرد آن و ابزارها و دیگر جزئیات مربوط به آن، اغلب در بخش جراحی آمده و نویسندگان این متون، عمل جراحی را به سه بخش شکسته‌بندی (جباره)، خونگیری (فصد) و داغ کردن (کی) تقسیم کرده‌اند. به پزشک متخصص در داغ کردن کَوَاء می‌گفتند.

در برخی کتاب‌های پزشکی که به بحث جراحی پرداخته‌اند، تنها به درمان چند بیماری به روش داغ کردن اشارات مختصری شده است؛ فردوس‌الحکمه (علی بن ربن طبری، ۱۹۲۸: ۲۷۲)، الحاوی (رازی، ۱۳۷۵: صفحات متعدد)، مَنْ لَا يَحْضُرُهُ الطَّيِّب (رازی، ۱۳۶۳: ۵۹، ۶۰ و ۶۷)، هِدَايَةُ الْمُتَعَلِّمِينَ فِي الطَّب (اخوینی بخاری، ۱۳۴۴: ۵۹۴، ۶۳۰، ۶۱۷ و ۶۲۹) و قانون (ابن سینا، ۱۳۶۸: ۱/۱، ۵۱۰، ۵۰۴؛ ۲/۳۳، ۳۷ و ۱۳۵؛ ۳/۳۰۲ و ۳۳۲ و ۳۵۶؛ ۴/۳۴۸، ۴۵۸، ۴۶۵ و ۴۶۶) نمونه‌هایی از این کتاب‌ها هستند.

نویسندگان دیگری هم بودند که مفصل‌تر به این شیوه‌ی درمانی پرداخته‌اند. علی بن عباس مجوسی اهوازی (د. ۳۸۴ ه. ق)، باب شصت و هشتم مقاله‌ی نهم از جلد دوم کتاب *کامل الصناعه الطبییه*، معروف به ملکی را به بحث داغ کردن اختصاص داده است. وی پس از بیان اهمیت این شیوه‌ی درمانی، به معرفی بیماری‌هایی که با داغ کردن درمان می‌شوند، پرداخته و انواع ابزارهای داغ کردن و اشکال متفاوت این شیوه‌ی درمانی را توضیح داده است (مجوسی اهوازی، ۱۲۹۴: ۲، ۴۹۳-۴۹۷).

مفصل‌ترین و مهم‌ترین گزارش درباره‌ی شیوه‌ی درمان با داغ و ابزارهای آن، از ابوالقاسم زهراوی (د. ۴۰۴ ه. ق) است. وی بخش سی کتاب *التصریف لمن عجز عن التألیف* را به موضوع جراحی اختصاص داده، آن را به سه دسته تقسیم کرده و هر دسته را در یک باب جداگانه، همراه با مهم‌ترین ابزارهای مورد استفاده، توصیف کرده است. او تنها کسی است که بیشترین آمار بیماری‌هایی را که با این شیوه قابل درمان بودند، ارائه کرده است. وی که در باب اول استفاده از داغ کردن (کی) را برای تمامی اندام‌های بدن، از سر تا پا شرح داده، برای نخستین بار تصویر ابزارهای جراحی مورد بحث را نیز ترسیم کرده است (زهراوی، ۱۳۷۴: ۵-۵۰).

سید اسماعیل جرجانی (د. ۵۳۱ یا ۵۳۵ ه. ق)، در بزرگ‌ترین کتاب پزشکی خود به نام *ذخیره‌ی خوارزمشاهی* که به زبان فارسی نوشته شده، گفتار ششم از کتاب هفتم را به بحث داغ کردن اختصاص داده است. او ضمن سخن از ابزارهای جراحی، انواع داغ کردن را در ۱۲ باب بیان کرده، ۱۶ بیماری را که با داغ کردن درمان می‌شوند، برشمرده و به طور محدود به ابزارهای داغ کردن نیز اشاره کرده است (جرجانی، ۱۳۵۵: ۶۰۲-۶۰۳).

عبدالرحمان بن نصر شیزری، مؤلف اهل شام (د. ۵۸۹ ق) نیز درباره‌ی گروهی از ابزارهای جراحی گزارش داده است. وی نه در مقام پزشک، بلکه به عنوان کسی که فهرستی از امور

مربوط به حسبه و نظارت بر چگونگی گذران زندگی مردم در شهرها را تهیه کرده، از این ابزارها یاد کرده است. شیزری در این فهرست انواع گازانبر، ابزارهای داغ کردن، نیشترها و... را نام برده است (شیزری، ۱۳۶۵: ۹۹-۱۰۰). یکی از آخرین پزشکان دوران متقدم و دوره‌ی میانه‌ی پزشکی اسلامی که از ابزارهای جراحی سخن گفته، امین الدوله ابوالفرج بن موفق الدین، معروف به ابن القف (پزشک اهل شام د. ۶۸۵ ق) و صاحب کتاب *العمدة فی الجراحة* است که چندگونه ابزار داغ کردن را نام برده است (ابن القف، [بی تا]: ۲/ ۱۶۲-۱۷۳).

مفصل‌ترین گزارش درباره‌ی ابزارهای جراحی پزشکی اسلامی را علی حسین شطشاط ارائه کرده است. او در این گزارش ضمن ارائه‌ی تصویر حدود ۴۷۰ ابزار جراحی مورد استفاده در پزشکی دوره‌ی اسلامی که با استفاده از منابع مختلف فراهم کرده است (شطشاط، ۱۳۷۸: ۱/ ۱۸۵-۳۵۰)، وسایل جراحی را به نه دسته تقسیم کرده و انواع داغ‌کن‌ها را نیز نام برده است (همان: ۱۹۱-۲۱۸). به جز در بخش مربوط به ابزارهای جراحی چشم، مهم‌ترین منبع او باب سی کتاب *التصریف* زهراوی بوده است.

ابن زهر اندلسی (د. ۵۵۷ ق) نیز در کتاب *التبسییر فی المداواة و التدبیر*، از تعدادی ابزار جراحی یاد کرده که داغ‌کن‌ها را نیز در بر می‌گیرد. نکته‌ی پایانی در این بحث این است که هرچند اقوام عرب پیش از اسلام در استفاده از این شیوه‌ی درمانی تجربیاتی داشته‌اند، اما نوشته‌های پزشکی مسلمانان نشان می‌دهد که شکل علمی این عمل را مسلمانان از طریق ترجمه‌ی آثار یونانی، هندی و ایرانی فراگرفته‌اند (ابن ندیم، [بی تا]: ۴۰۷؛ عبادی، ۱۳۹۰: ۳).

ضرورت و منفعت داغ کردن

پزشکان برای داغ کردن فواید زیادی برشمرده‌اند و انجام این عمل را زمانی ضروری می‌دانستند که رطوبت بدخیم بر عضوی از بدن غلبه می‌یافت و داروهای خشک‌کننده و سوزاننده در درمان آن اثر نمی‌کرد؛ زیرا در این صورت آتش مؤثرتر از دارو بود و سرعت بهبود بیماری را بیشتر می‌کرد (مجوسی اهوازی، ۱۲۹۴: ۲/ ۴۹۴). ابن سینا معتقد بود که داغ کردن برای جلوگیری از انتشار فساد در بدن و تقویت اعضا و تحلیل مواد فاسده و بازداشتن از خونریزی سودمند است (ابن سینا، ۱۳۶۸: ۱/ ۵۱۰).

جرجانی درباره‌ی منافع داغ کردن در کتاب *ذخیره‌ی خوارزمشاهی* چنین آورده است:

منفعت داغ کردن آن است که رطوبت‌هایی را که در اندام انباشته شده و مزاج و گوهر اندام را تباه می‌کند و توانایی بدن را دچار اختلال می‌کند و علت‌های بد را مدد باشد و طیب خواهد که آن اندام را از آن رطوبت پاک کند و شیوه‌های درمانی دیگر مانند استفراغ و داروهای گرم و

خشک به پاک کردن آن ناتوان گردد، داغ کردن به آتش، آن را نیست کند و منفذهای بزرگ را که مدد آن به اندام‌ها رسد، ببندد و سخت کند (جرجانی، ۱۳۵۵: ۶۰۲).

از داغ کردن نه تنها برای بند آوردن خونریزی و مداوای بیماری‌ها استفاده می‌شد، بلکه گاهی جنبه‌ی پیشگیرانه از ابتلا به یک بیماری را داشت. برای مثال زهراوی برای جلوگیری از گوزپشتی که کودکان به آن مبتلا می‌شوند، داغ کردن را تجویز کرده و گفته است: «در آخرین مهره‌ی ناحیه‌ی پشت کودک یک برآمدگی دیده می‌شود که در دیگر مهره‌ها نیست، پس هر وقت خواستار جلوگیری از آن شدی، آن را با داغ‌های دایره‌وار داغ کن» (زهراوی، ۱۳۷۴: ۴۱-۴۳). او در جایی دیگر برای جلوگیری از افزایش فتق در شکم همین شیوه‌ی درمان را پیشنهاد کرده است: «در فتقی که در جاهای دیگر از شکم پدید می‌آید و آغاز پیدایش آن است و نمی‌خواهی که افزایش پیدا کند، باید به اندازه‌ی بزرگی آن با داغ دایره‌وار داغ کنی و سپس به درمان‌های دیگر پردازی» (همان). داغ کردن در حین عمل جراحی نیز انجام می‌شد.

این شیوه برای درمان طیف گسترده‌ای از بیماری‌ها، چه در اندام‌های درونی و چه در اندام‌های بیرونی بدن، همچون بیماری‌های سر، درد شقیقه‌ی مزمن، صرع، مالیخولیا (ابن سینا، ۱۳۶۸: ۱/۵۱۰)، آب‌مرورید چشم، اشک‌ریزی مزمن، رفع گندناکی بینی، سستی پلک چشم (میسری، ۱۳۶۶: ۶۵)، پلکی که مژه‌هایش به داخل روئیده و سبب تحریک چشم شده، درد چشم مزمن، ضعف‌النفس، جذام، رفع موی زاید پلک چشم (محقق، ۱۳۷۴: ۳۸۰ و ۳۶۵؛ میسری، ۱۳۶۶: ۶۴)، ناصور گوشه‌ی چشم (میسری، ۱۳۶۶: ۷۴ و ۱۶۶؛ اخوینی بخاری، ۱۳۴۴: ۶۱۷) که به عربی غُرب گویند، خُراج، بیماری سپرز یا طحال (محقق، ۱۳۷۴: ۳۶۸)، جلوگیری از خونریزی بینی، قروح گوش (میسری، ۱۳۶۶: ۸۱، ۸۲ و ۸۳؛ اخوینی بخاری، ۱۳۴۴: ۶۳۰، ۶۲۹ و ۵۹۴)، استسقاء، درد و ناراحتی معده، بیرون آمدن مهره‌ی استخوان بازو، شکافتگی لب، ناصور در دهان، درد دندان، درد کلیه‌ها، رحم، سرطان، خنازیر، برص، خوره (قانقاریا)، رعشه و لرزه، جلوگیری از خونریزی حاصل از بریدگی سرخرگ، ورم جگر، نقرس و دردهای مفاصل، ناصور نشیمن و حوالی آن، سستی بندگاه سرین، عیب‌النساء، فتق و... به کار می‌رفت (مجوسی اهوازی، ۱۲۹۴: ۴۹۳-۴۹۷؛ زهراوی، ۱۳۷۴: ۵-۵۰؛ جرجانی، ۱۳۸۴: ۶۰۳) و حتی برای درمان دیوانگی (جنون) نیز از داغ کردن استفاده می‌کردند (الکود، ۱۳۵۶: ۳۲۵).

داغ کردن با چه مزاج‌هایی سازگار است؟

بر اساس طب قدیم، افراد مزاج‌های مختلف داشتند؛ از این رو یکی از مواردی که شخص

داغ کننده باید به آن توجه می کرد، تشخیص مزاج فردی بود که می خواست با این شیوه درمان شود. زهراوی معتقد بود:

داغ بر هر مزاج بدی که با ماده همراه یا بدون آن باشد، سودمند است، جز برای دو مزاج که یکی مزاج گرم و بدون ماده است و دیگری مزاج سرد بدون ماده؛ و اما در خصوص مزاج خشک با ماده اختلاف نظر است، چه بعضی آن را سودمند خوانده اند و دیگران برخلاف ایشان گفته اند که داغ کردن در آن بیماری که از گرمی و خشکی پدید آمده باشد، سودی ندارد، بدان جهت که طبع آتش گرمی و خشکی است و محال است که مداوا کردن با دوی گرم و خشک مایه‌ی شفای بیماری گرم و خشک شود. و آن که بر ضد این نظر داشته باشد می گوید که: داغ کردن با آتش گاه برای درمان کردن بیماری گرم و خشکی سودمند واقع می شود که بر بدن‌های مردمان عارض شده است، بدان جهت که چون بدن آدمی و رطوبت آن را بر مزاج آتش بیفزایی، سبب سردی بدن انسان می شوی و من نیز با این نظر موافقت دارم، بدان جهت که تجربه، آن را بارها بر من ثابت کرده است، ولی آن کس شایسته است به این کار پردازد که در این باب تمرین و مهارت کافی داشته باشد و بداند مردمان مزاج‌های متفاوت با یکدیگر دارند (زهراوی، ۱۳۷۴: ۵).
وی در مورد ویژگی فرد داغ کننده و عمل کردن افزوده است:

و از حال بیماری‌ها از لحاظ خود آن‌ها و علت‌ها و اعراض و مدت آن‌ها آگاه باشد. اما در خصوص دیگر مزاج‌ها و بالخاصه در بیماری‌های سرد و مرطوب برای داغ کردن نگرانی وجود ندارد و همه‌ی پزشکان در این باره اتفاق نظر دارند (همان: ۹).

شیوه‌های عملی داغ کردن

داغ کردن به چند شیوه انجام می شد که دو شیوه بیشتر مرسوم بوده است؛ یکی داغ کردن با داروهای سوزاننده یا داغ گذار (زهراوی، ۱۳۷۴: ۱۱) که با گذاشتن یا ریختن ماده‌ی داغ کننده در محل زخم یا عضو بیمار انجام می شد و دیگری داغ کردن با فلز گداخته در آتش. داروهای داغ گذار عبارت بودند از آهک، زنگار، انواع زاج‌ها، انواع زرنیخ‌ها (ابن رین طبری، ۱۹۲۸: ۲۷۲)، زیره‌ی سبز، کف دریا و سرگین الاغ. میزان داغ گذاری این داروها متفاوت بود و برخی از آن‌ها مثل آهک و زیره‌ی سبز چندان تأثیری نداشتند (ابن سینا، ۱۳۶۸: ۲/۳۳ و ۴/۳۴۸، ۴۵۸ و ۴۶۵-۴۶۶). این داروها پوست را می سوزاندند و خشک می کردند. پوست از اثر آن‌ها چنان می سوخت که گویی سوختگی ناشی از آتش است و به این صورت راه را بر خلط سیار می بست تا خون نتواند بیرون بیاید. جای سوختگی را «خشک ریشه» می نامیدند. این داروها برای بند آمدن خونریزی شرائین و حالات مشابه آن نیز به کار می رفتند (ابن سینا، ۱۳۶۸: ۲/۳۳). داروهای سوزاننده گاهی ترکیبی بودند؛ برای مثال گاهی نرم شده‌ی صابون معمولی و آهک آب‌نדיده را تجویز می کردند

(زهرای، ۱۳۷۴: ۱۸-۱۹). جرجانی داروهای تیز و داغ‌کننده، از جمله قلقطار و انواع زاج را در درمان خونریزی بینی مؤثر می‌داند. به عقیده‌ی وی باید تا حد امکان از داروهای داغ‌کننده کمتر استفاده کرد: «از بهر آنکه سر جراحی را بسوزد و داغ کند و خشک‌ریشه برآرد، بیم آن باشد که خشک‌ریشه بیفتد و جراحی بزرگ‌تر شود و خون آمدن معاوده کند بیش از بار نخست» (جرجانی، ۱۳۸۴: ۲/۵۵۶-۵۵۷).

در شیوه‌ی داغ کردن با فلز گذاخته که اشکال متفاوت داشت، داغه را با آتش داغ می‌کردند و روی اندام بیمار می‌گذاشتند (محقق، ۱۳۷۴: ۳۶۵).

لازم بود که پزشک دقت و مهارت کافی را به کار برد تا نیروی داغ به اعصاب و زردپی و ترها آسیب نرساند. ابن سینا چگونگی شیوه‌ی داغ‌گذاری در اندام‌های درونی را توضیح داده است. به گفته‌ی او اگر داغ گذاشتن بر اندام درونی انجام می‌گیرد، باید قلبی را که موادی مانند طلق یا سریش بر آن می‌پوشانند با سرکه خیس کنند، پارچه بر آن بپیچند، با گلاب یا افشردی دیگری بسیار سرد کنند، بعد قالب را در منفذ فرو برند تا به محل داغ کردن برسد، آنگاه باید داغ را از طریق قالب به مقصد برسانند، بدون آنکه قالب بسوزد؛ به‌ویژه اگر ابزار داغ‌گذاری از جدار قالب نازک‌تر باشد، بهتر است داغ به این جدار نخورد (ابن سینا، ۱۳۶۸: ۱/۵۱۰).

گاهی محل داغ کردن را ابتدا با مداد یا مرکب نقطه‌گذاری، خط‌کشی یا شکل‌گذاری می‌کردند و سپس کار داغ کردن را شروع می‌کردند. به این شیوه داغ کردن نقطه‌ای می‌گفتند. گاهی علامت‌گذاری شکل خاصی داشت؛ مثلاً داغ پلکی که مژه‌هایش به داخل روئیده بود، به شکل علف مورد که شبیه چشم است، ترسیم می‌شد (زهرای، ۱۳۷۴: ۱۳ و ۲۶). این کار به دقت در انجام عمل داغ‌گذاری کمک زیادی می‌کرد.

علاوه بر دو شیوه‌ی پیشین، اشکال دیگری از داغ کردن نیز وجود داشته است. گاهی از روغن بسیار داغ استفاده می‌کردند که زهرای از آن برای درمان دندان کرم‌خورده استفاده کرده است (همان: ۲۴). شمع ذوب‌شده نیز برای درمان به کار می‌رفت. رازی برای درمان شعیره (گل‌مژه) داغ کردن با شمع ذوب‌شده را تجویز کرده است (رازی، ۱۳۶۳: ۶۰). از ریشه‌ی زراوند برای درمان ذات‌الجنب که ناشی از برودت است، استفاده می‌شد (زهرای، ۱۳۷۴: ۳۰).

گاهی از سرب گذاخته برای داغ کردن استفاده می‌شد که این شیوه بسیار قدیمی بوده است. به گفته‌ی زهرای اگر ناصور چشم با آتش بهبود نمی‌یافت، داروی سوزنده‌ی خورنده باید بر آن می‌گذاشتند تا استخوان آشکار شود. او راه دیگری را نیز نقل کرده است که پیشینان به کار می‌بردند: «باید محل ناصور را بشکافی در آن قیف نازکی قرار دهی و درون آن به اندازه‌ی یک درهم سرب گذاخته بریزی که این سرب محل ناصور را می‌سوزاند و درمان می‌کند» (زهرای، ۱۳۷۴: ۲۱). نوع دیگری از شیوه‌ی داغ‌گذاری، داغ سرگینی بود که برای درمان عرق‌النساء به

کار می‌رفت و زهراوی آن را از دیوسقوریدس نقل کرده است. روش کار به این صورت بود که پشم خیس‌انده در روغن کهنه را در گودی میان شست دست و ساعد قرار می‌دادند، سپس سرگین خشکیده‌ی بز را آتش می‌زدند تا همچون زغال افروخته شود. این سرگین افروخته را روی پارهی پشم می‌گذاشتند تا سرد شود، سپس آن را با سرگین افروخته‌ی دیگر عوض می‌کردند. این کار باید چندین بار تکرار می‌شد تا احساس از بازو به بندگاه سر استخوان برسد (زهراوی، ۱۳۷۴: ۳۹). ضماد گذاشتن به صورت مکرر نیز نوعی داغ کردن بوده است (همان: ۱۴).

برخی پزشکان برای درمان بعضی بیماری‌ها از یک شیوه و برای برخی از هر دو شیوه‌ی داغ‌گذاری استفاده می‌کردند؛ مثلاً زهراوی در درمان عرق‌النساء (همان: ۳۶) و برای درمان پلکی که مژه‌هایش به داخل رویده بود و سبب تحریک چشم می‌شد، آتش و داروی سوزاننده را توصیه کرده است (همان: ۱۸-۱۹).

زهراوی معتقد بود که داغ کردن با آتش بهتر از سوزاندن با داروی تند است؛ «زیرا آتش جوهری است مفرد و فعل آن از عضوی که داغ شده است تجاوز نمی‌کند و به عضو مجاور آن زیان فراوانی نمی‌رساند، در حالی که داغ کردن با دارو، فعل آن تجاوز به اعضای دیگر می‌کند و چه بسا که بیماری صعب‌العلاج و یا مرگ به وجود آورد. آتش به علت شرف و بزرگی جوهر آن چنین اثری ندارد، مگر اینکه در استعمال آن افراط کنند» (همان: ۶).

جنس ابزارهای مورد استفاده در داغ کردن

ابزارهای داغ کردن از فلزاتی همچون آهن، مس، نقره و طلا ساخته می‌شدند (ابن‌القف [بی‌تا]: ج ۱/ ۱۹۸). انتخاب جنس فلز با وضع منطقه، وسع پزشکان، توان مالی بیماران و نوع بیماری و عضو مورد معالجه ارتباط مستقیم داشت. بیشتر پزشکان بهترین فلز برای داغ کردن را طلا دانسته‌اند (زهراوی، ۱۳۷۴: ۷؛ ابن‌القف، [بی‌تا]: ۱/ ۱۹۸؛ ابن‌سینا، ۱۳۶۸: ۱/ ۵۱۰) و آن را بر آهن ترجیح داده‌اند. زهراوی با آنکه پیر و برتری ابزار طلایی بر ابزار آهنین بود، معایبی نیز برای طلا برمی‌شمرد؛ از جمله اینکه «چون داغ‌هی طلا را در آتش قرار دهی، نمی‌دانی که چه وقت به آن گرمی که می‌خواهی رسیده است، بدان جهت که سرخی طلا نمی‌گذارد که سرخی حاصل از آتش بر آن آشکار شود و علاوه بر این، طلا زودتر از آهن سرد می‌شود و اگر طلا زیاد حرارت ببیند می‌گدازد و فرو می‌ریزد و شخص داغ‌کننده را گرفتار زحمت می‌کند، به همین جهت است که داغ کردن با آهن نزد ما سریع‌تر صورت می‌گیرد و به خوب عمل کردن نزدیک است (زهراوی، ۱۳۷۴: ۷-۸).

انواع و اشکال داغ‌کن‌ها (مکواه)

مکواه (مفرد مکاوی) ابزاری فلزی است که با آن داغ بر بدن نهاده می‌شد (ابن‌منظور، ۱۴۱۴: ۱۵).

۲۳۵). گاهی به ابزار داغ کردن کاویاء و میسم نیز گفته می‌شد (دهخدا، ۱۳۵۲: ۴۳/۱۰۰۹). ابزار داغ کردن اشکال گوناگونی داشت که در کتاب‌های پزشکی به موارد متعددی از آن‌ها اشاره شده است. زهراوی حدود سی نوع از داغ‌کن‌ها را با توجه به شکل آن‌ها برشمرده است؛ مانند داغ‌های زیتونی، میخی، عدسی، کاردی، هلالی، دایره‌ای (مدور)، میله‌ای، داغ‌ی سوراخ‌کن و... که پزشک بر حسب نیاز و شرایط بیمار و محل زخم از آن‌ها استفاده می‌کرد. ابزارهای داغ کردن ساختار مشخصی داشتند و در اندازه‌های کوچک‌تر یا بزرگ‌تر ساخته می‌شدند. ابزارهای متناسب، با توجه به سن بیمار، نوع بیماری و محلی که باید داغ می‌شد، توسط پزشک انتخاب می‌شدند. پزشک باید برای کودکان از داغ‌کن‌های کوچک و برای بزرگسالان از داغ‌کن‌های بزرگ استفاده می‌کرد. بزرگی و کوچکی داغ‌کن باید با بزرگی و کوچکی اندام و مفاصل نیز تناسب می‌داشت (زهراوی، ۱۳۷۴: ۴۳).

زمان و مکان مناسب داغ کردن

درباره‌ی زمان داغ کردن بین اهل فن اختلاف نظر وجود داشت. به گفته‌ی زهراوی، اغلب صاحب‌نظران بهترین زمان این کار را فصل بهار می‌دانستند، اما خود زهراوی معتقد بود «داغ کردن در هر زمان شایسته است؛ زیرا زیان حاصل آمده پیش از زمان شایسته در سودی که از داغ کردن حاصل می‌شود، استهلاک پیدا می‌کند، مخصوصاً در آن هنگام که داغ کردن برای دردهای سخت و مایه‌ی ترس و تأخیرناپذیر ناگزیر می‌باشد و اگر چنین تأخیری صورت پذیرد، زیانی فراهم می‌آید که بسیار بزرگ‌تر از زیان سوزاندن در زمانی جز بهترین زمان برای داغ کردن است (همان: ۶). درباره‌ی مکان مناسب برای انجام عمل داغ کردن نکته‌ی خاصی در منابع پزشکی ذکر نشده است، اما بر اساس اقوال مسلم، در جهان اسلام، خونگیری و داغ کردن را بیشتر دلاک‌ها و بادکش‌کنندگان و اشخاصی غیر از پزشکان فاضلی که رساله‌ها را می‌نگاشتند، انجام می‌دادند.

زیان‌های داغ کردن

استفاده از شیوه‌ی درمانی داغ کردن، گاهی خطرات و مشکلات و پیامدهای ناگوار و ناخواسته‌ای را نیز به دنبال می‌آورد. گاهی به دلیل ناشی بودن شخص طیب، بی‌دقتی وی یا نامناسب بودن ابزار مورد استفاده، نه تنها بیمار بهبود نمی‌یافت، بلکه عصب یا سرخرگی بزرگ سوزانده می‌شد و در اثر خونریزی یا ایجاد زخمی عمیق در محل داغ کردن، آفت بزرگ و مزمنی برای بیمار به وجود می‌آمد و حتی گاهی به مرگ بیمار نیز منجر می‌شد (همان: ۳۶-۳۷)؛ به عنوان مثال در داغ مخصوص فتق‌ها باید کمال احتیاط به کار می‌رفت تا روده ضمن داغ کردن بیرون نیاید و سوخته نشود؛ زیرا نتیجه‌ی آن یا مرگ بیمار بود یا گرفتار شدن به بلایی بزرگ‌تر (همان: ۴۳). زهراوی

که استفاده از داغ میله‌ای در درمان ورم جگر را تجویز کرده است، معتقد بود که تنها کسی باید این داغ را انجام دهد که در صناعت پزشکی ماهر باشد و تجربه‌ی فراوانی در این باره داشته باشد؛ وگرنه ترک چنین عملی بهتر از انجام آن است (همان: ۳۱).

نتیجه‌گیری

سنت پزشکی داغ کردن اکنون متروک شده است؛ اما در برخی کشورها مانند چین مشابه آن وجود دارد (محقق، ۱۳۷۴: ۳۹۴). در مجموع، داغ‌پزشکی ایرانی همتای طب سوزنی چینی است (جرجانی، ۱۳۸۴: ۷۶). در میان مردم برخی مناطق ایران هنوز این نوع درمان به صورت غیررسمی رایج است که بیشتر در اندام‌های بیرونی به کار می‌رود؛ مثل بند آوردن خونریزی و بیماری‌های سطح پوست که در زیر به ذکر دو نمونه بسنده می‌کنیم:

در لرستان اگر کسی را گرگ گاز بگیرد، سنگ را داغ می‌کنند و روی محل زخم می‌گذارند. به این عمل سنگ داغ می‌گویند. همچنین اگر سر کسی بشکند، قطعه نم‌دی را آتش می‌زنند و بر جای شکستگی می‌گذارند و به این کار به گویش محلی لَمه داغ می‌گویند (افشار، ۱۳۷۰: ۲/۳۶۲). مردم لرستان زخم‌ها را به طریق زیر درمان می‌کنند:

«... چنانچه زخمی به صورت دمل باشد، برای رسیدن دمل روی آن «شو» مخلوط آرد و روغن حیوانی داغی می‌گذارند تا دمل سر باز کند، اگر باز نکند، پس برای رسیدن آن را بیشتر می‌زنند» (همان: ۶۴۸).

در میان مردم گیلان نیز برخی بیماری‌ها را با روش داغ کردن معالجه می‌کردند که هنوز هم ادامه دارد؛ مثلاً در بیماری سیاه‌زخم، برای جلوگیری از انتشار بیماری، اطراف زخم را به وسیله‌ی میخ گداخته داغ می‌کردند. همچنین برای درمان سرمازدگی، تورم و خارش انگشت کوچک پا، انار ترش را در خاکستر منقل می‌پزند، آن را می‌شکافند و با همان داغی به محل سرمازده می‌بندند یا قاشق چوبی را روی آتش داغ می‌کنند و محل سرمازده را با آن ماساژ می‌دهند. بستن پلوی داغ یا پشم داغ‌شده به محل ضرب‌دیده، شکسته یا دررفته نیز رواج داشته است (همان: ۶۱۷).

در تحقیقات جدید نیز موضوع داغ کردن مورد توجه برخی پژوهشگران قرار گرفته است و کتاب‌ها و مقالاتی درباره‌ی داغ کردن و کاربرد آن نوشته‌اند. از میان این تحقیقات می‌توان به کتاب کوچک مهر و داغ بر خرمن و دام، پژوهش مردم‌شناختی، نوشته‌ی محمد میرشکرایی اشاره کرد که تقریباً همه‌ی مطالب آن در بخش داغ، به داغ کردن حیوانات اختصاص دارد. نمونه‌ی دیگر کتاب قانون حجامت و فصد، به انضمام زالو انداختن و کی کردن (داغ زدن)، رهنمودهای چهارده معصوم (ع)، نوشته‌ی محمد ابراهیم آوازه (رضوی) است که بیشتر شامل احادیث مربوط به داغ کردن است.

منابع

قرآن کریم.

- آوازه رضوی، محمدابراهیم. (۱۳۸۴). *قانون حجامت و فصد... تهران: انتشارات سلسله.*
- ابن القف، ابوالفرج بن یعقوب. [بی تا]. *العمده فی الجراحه. الطبعة الاولى. حیدرآباد: دایره‌المعارف العثمانیه.*
- ابن القیم الجوزیه، محمد بن ابی بکر. [بی تا]. *الطب النبوی. تصحیح عبدالخالق. بیروت: دارالحکمه.*
- ابن ربن طبری، علی بن سهل. (۱۹۲۸). *فردوس‌الحکمه فی الطب. برلین: مطبع آفتاب.*
- ابن زهر اندلسی، عبدالملک. (۱۴۰۳). *التیسیر فی المداواة و التدبیر. تحقیق میشل خوری. مقدمه‌ی محی‌الدین صابر. بیروت: دارالفکر.*
- ابن سینا. (۱۳۶۸). *قانون در طب. ترجمه‌ی عبدالرحمان شرفکندی (هه ژار). تهران: سروش.*
- ابن منظور، محمدبن مکرّم. (۱۴۱۴). *لسان‌العرب. بیروت: دارصادر.*
- ابن ندیم. [بی تا]. *الفهرست. بیروت: دارالمعرفه.*
- اخوینی بخاری. (۱۳۴۴). *هدایه‌المتعلمین فی الطب. به اهتمام جلال متینی. انتشارات دانشگاه مشهد.*
- افشار سیستانی، ایرج. (۱۳۷۰). *پزشکی سنتی مردم ایران. ج ۱ و ۲. ج ۱. ناشر: مؤلف.*
- بیهقی، احمدبن علی. (۱۳۶۶). *تاج‌المصادر. تصحیح و تحشیه و تعلیق هادی عالم‌زاده. ج ۱. تهران: مؤسسه‌ی مطالعات و تحقیقات فرهنگی.*
- جرجانی، اسماعیل بن حسن. (۱۳۵۵). *ذخیره‌ی خوارزمشاهی (چاپ عکسی از روی نسخه خطی). به کوشش سعید سیرجانی. تصحیح علی اکبر سعیدی. تهران: انتشارات فرهنگ ایران.*
- جرجانی، اسماعیل بن حسن. (۱۳۸۴). *الاعراض الطبییه و المباحث العلائیه. تصحیح حسن تاج‌بخش. انتشارات دانشگاه تهران.*
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۵۲-۱۳۴۰). *لغت‌نامه. زیر نظر محمد معین. انتشارات دانشگاه تهران.*
- رازی، محمدبن زکریا. (۱۳۷۵). *الحاوی فی الطب. الطبعة الاولى. حیدرآباد: مطبعه مجلس دایره‌المعارف العثمانیه.*
- _____ (۱۳۶۳). *من لا یحضره‌الطیب. ترجمه‌ی ابوتراب نفیسی. دفتر جهاد دانشگاهی دانشکده‌ی پزشکی دانشگاه تهران.*
- رجبی مشهدی، محمدتقی. (۱۳۸۳). «جراحی در تمدن اسلامی، تألیف و روش‌ها». *مجله‌ی پژوهش و حوزه. ش ۱۷ و ۱۸.*
- زمخشری، محمود. (۱۳۹۷). *المستقصى فی امثال العرب. بیروت: دارالکتب العلمیه.*
- زهرای، خلف بن عباس. (۱۳۷۴). *التصریف لمن عجز عن‌التألیف. ترجمه‌ی احمد آرام و مهدی محقق. مؤسسه‌ی مطالعات اسلامی دانشگاه تهران.*
- سایت کتابخانه مجلس شورای اسلامی (www.ical.ir).
- شططاط، علی حسین. (۱۳۷۸). *تاریخ الجراحه فی طب العربی. بنغازی: جامعه قاریونس.*

- شیزری، عبدالرحمان بن نصر. (۱۳۶۵ق). *نهاية الرتبة في طلب الحسبه*. قاهره: مطبعه لجنه التأليف و الترجمة و النشر. عبادي، عبدالحسين بن موسى بن حكيم. (۱۳۹۰). *رساله جاماسيه*. چاپ عكسي نسخه‌ی خطی. مؤسسه‌ی مطالعات تاریخ پزشکی، طب اسلامی و مکمل دانشگاه علوم پزشکی تهران.
- الگود، سیریل. (۱۳۵۶). *تاریخ پزشکی ایران و سرزمین‌های خلافت شرقی*. ترجمه‌ی باهر فرقانی. تهران: امیر کبیر. مجوسی، علی بن عباس. (۱۲۹۴). *کامل الصناعه*. چاپ سربی چاپ مصر.
- محقق، مهدی. (۱۳۷۴). *مجموعه متون و مقالات در تاریخ و اخلاق پزشکی در اسلام و ایران*. تهران: سروش.
- میرشکرایی، محمد. (۱۳۷۸). *مهر و داغ بر خرمین و دام، پژوهش مردم‌شناختی*. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور (پژوهشگاه)، پژوهشکده‌ی مردم‌شناسی.
- میسری، حکیم. (۱۳۶۶). *دانشنامه در علم پزشکی*. به اهتمام برات زنجانی. تهران: دانشگاه تهران.
- نابلسی دمشقی، عبدالغنی بن اسماعیل. (۱۲۴۳). *رساله فی حکم الماء التي توضع علی الکی فی البدن*. نسخه‌ی خطی کتابخانه‌ی مجلس.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی